

الله أكبر
محمد وآله



« کاری از موسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت »



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از سید احمد الحسن (ع) برای حضور در مسنجر پالتاک دعوت شد، که ایشان پس از چند روز حاضر شده و به سوالاتی که مطرح شد، پاسخ دادند.



متن دعوت:

تاریخ ارسال: چهارشنبه ۲۷ / خرداد ماه / ۱۳۹۴ هجری شمسی

منبع: صفحه شخصی سید احمد الحسن (علیه السلام).

نوشت: Ali Alali

مدیریت برنامه "حقیقت همان گونه که هست" در نظر دارد دعوتی ویژه از سید احمد الحسن (ع) به عمل آورد، به امید قبول دعوت مان.

ای سید ما؛ با تشکر فراوان از شما. با درود فراوان خادم شما عاملی.

ج/ سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. در مجموع مانعی وجود ندارد و دعوت شما قبول است، ان شاء الله؛ و اگر عمری باشد، به خدمت شما خواهیم آمد. چه بسا در ماه مبارک رمضان؛ فقط با مکتب در نجف ارتباط برقرار کرده و با آن‌ها هماهنگی کنید و ان شاء الله به آن‌ها در مورد این امر سفارش خواهیم کرد.

دکتر علاء سالم: بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الطيبين الطاهرين الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته خوش آمدید امام و سید ما سید احمد الحسن و سائر انصار ارجمند و مهمانان در این اتاق مبارک.

«طَرِبْتُ وَمَا شَوْقًا إِلَى الْبَيْضِ أَطْرَبُ وَلَا لِعِبَاءِ مَنِيَّ اذْ ذُو الشَّيْبِ يَلْعَبُ وَلَكِنْ إِلَى أَهْلِ الْفَضَائِلِ وَالنَّهْيِ وَخَيْرِ بَنِي حَوْاءَ وَالْخَيْرِ يُطَلَّبُ إِلَى النَّفْرِ الْبَيْضِ الَّذِينَ بِحُبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ فِي مَا نَأْتِي أَتَقَرَّبُ بَنِي هَاشِمٍ رَهْطُ النَّبِيِّ فَإِنِّي بِهِمْ وَ لَهُمْ أَرْضِي مِرَارًا وَ أُغْضَبُ خَفَضْتُ لَهُمْ مَنِي جَنَاحِي مُودَةً إِلَى كَنَفِ عِطْفَاهِ أَهْلٍ وَمَرْحَبٌ»

شادمانم اما این شادی از شوق سپید تنان نیست به بازی نیز شائق نیستیم، مگر پیرمرد سپید مو هم به بازی

و لیکن من به صاحبان فضیلت و پارسائی و به بهترین مردم شائقم و خیر، خواستنی است. سپیدبختانی که در هر خیری که به من رسد، به مهر آنان به خداوند تقرب می‌جویم. در برابر ایشان فرو تنم و از سر مهر پر و بال خود را به جانبی فرود آورده‌ام که هر دو سوی آن شایستگی و مهربانی است.

سوال اول: خوش آمدید آقای‌مان. سؤال اول که مطرح می‌شود این است که شما یکه و تنها دعوت خدا را آغاز کردید و الان به فضل خداوند متعال به شما، امتی برای خود شدید که انصار دعوت یمانی مبارک پیش روی شما در سراسر جهان حضور دارند. پس آیا امکان دارد، اندکی از

روزهای آغازین دعوت الهی، سختی‌ها و مشکلاتی را که در آن مرحله رخ دادند، بدانیم و نیز آیا امکان دارد از برخی علل و اسبابی که در آخر باعث شدند، برای مدتی از مؤمنین دوری کنید، مطلع شویم. بفرمایید بزرگوار، با ذکر درود بر محمد و آل محمد. مایک رها.

سید احمدالحسن (ع): یا الله. ان شاء الله صدا واضح است. در حقیقت سخن در مورد بسیاری از جزئیات سخت است؛ زیرا که وقت تنگ است و ما با رویدادهای بسیاری در آن زمان روبرو شدیم، و برای همین به مختصری از رویدادها اشاره خواهیم کرد، یعنی برخی از نکات مهم. ابتدای علنی شدن دعوت سال ۲۰۰۲ بود، پس از آن نیروهای صدام به تعقیب من پرداختند و برای مدت چند ماه کوتاه، مجبور به دور شدن از آن‌ها شدم. در آن مدت هیچ کس از مؤمنین به جز شیخ ناظم خدا حفظش کند، با من ملاقات نمی‌کرد و یادم می‌آید که تا حد زیادی رنج و دشواری دید. پس از مدتی بعد از سقوط نظام بعثی در سال ۲۰۰۳ دعوت مبارک مهدویت در نجف، بصره، عماره، ناصریه، بغداد، کربلاء و دیگر استان‌ها دوباره فعال شد. بعد از آن شیخ ناظم عقیلی به همراه حسین جبوری-ابو سجاد- خدا حفظشان کند که انصار ایشان را به این اسم می‌شناسند، به دیدار من آمدند و با آنان به نجف اشرف رفتیم، در آن زمان و به فضل خدا یکی از انصار که او شیخ حبیب المختار-پدر شیخ حازم المختار- خدا حفظش کند بود. آن‌جا در محله‌ی النصر در نجف منزلی داشت و در آن دفتری که از منزلش جدا بود داشت که آن هنگام، آن را برای عمل دعوت وقف نمود.

و این‌گونه آن‌جا و مکان را برای خود مکتب یا دفتر هر آنچه مایل بودید بنامید، برگزیدم که با همه مردم من جمله انصار، طلبه‌ی حوزه‌ها و غیر آنان دیدار می‌کردم، و در آن دوره نیز در منزلی مجاور مسجد سهله زندگی کردم و در مکتب تا دیر وقت باقی می‌ماندم تا با مردم و مؤمنین دیدار کنم. همان‌طور که به حسینه‌ها می‌رفتم و آن‌جا نماز می‌خواندم و نماز جمعه را اقامه می‌نمودم و با مؤمنین و پرسش‌گران در حسینه‌ها دیدار و ملاقات می‌کردم.

پس از این مرحله به دلیل فتوای مجرمانه و غیر مسؤولانه، متأسفانه بعضی از مدعیان دین و نفوذگران در عراق در آن زمان، امور بر من به نوعی تنگ شد و مجبور شدم در سال ۲۰۰۶

بعضی از انصار و از میان آنان شیخ عیدان ابو حسین را مکلف به پیدا کردن منزلی امن کردم که یک زمین کشاورزی در اطراف نجف پیدا کرده و آن را خریدم و در آن منزلی ساختم تا به همراه خانواده‌ام در آن زندگی کنیم، و در واقع در اواخر سال ۲۰۰۶ به آن جا جهت سکونت نقل مکان کردم و از عموم انصار و همچنین مردم عزلت نمودم. جائی که پس از آن قادر به حضور در مکتب یا دفتر به صورت مستمر نبودم و جهت اقامه نماز جمعه در حسینیه‌ها مثل سابق نمی‌توانستم، حاضر شوم تا با انصار و عموم مردم دیدار کنم. و به این ترتیب در اواخر سال ۲۰۰۶ مرحله جدیدی در دعوت آغاز شده بود که نمی‌توانستم مانند گذشته با عموم مؤمنین رو در رو ملاقات کنم و با آنان به صورت مستقیم صحبت کنم. بلکه به نقل اخبار و راهنمایی‌ها، از طریق مؤمنین مورد اعتماد خدا حافظ‌شان باشد بسنده کردم که آنان منزل گاه من را می‌دانستند و با من در ارتباط بودند و به ملاقات می‌آمدند. از جمله سید علاء المیالی و حسین جبوری ابو سجاد که او را قبلاً ذکر نمودم، و نیز برادرم محمد خدا حفظش کند، و شیخ حیدر زیادی، و نیز شیخ محمد حریشاوی و دیگر مؤمنین مورد اعتماد در آن هنگام بودند. اضافه بر ارتباطم با مکان حوزه مهدوی و مکتب که در آن زمان در نجف بود و راهنمایی‌های مستمرم به آنان انجام می‌شد. در آن منزل مدتی زندگی می‌کردم تا این که ابتدای سال ۲۰۰۷ مجبور به ترک آن شدم؛ زیرا که ساعت‌ها پس از ترک آن منزل - من و خانوادم، نیروهای بزرگ نظامی به منزلم یورش بردند؛ و تأکیداً بدون توجیه قانونی و منطقی برای این یورش این کار انجام شد. بلکه در حقیقت آن کار فقط توسط نفوذگران در آن زمان بود و دلیلی دیگر نداشت. متأسفانه یکی از همسایه‌های من را بازداشت نمودند و او را وحشیانه شکنجه دادند؛ در حالی که همسایه‌هایم نمی‌دانستند من کیستم - یعنی این که بین آنان زندگی می‌کردم اما نمی‌دانستند من کیستم.

به این ترتیب وضع غیر امن این‌گونه ادامه پیدا کرد که اجازه نمی‌داد، با عموم مؤمنین و مردم به خصوص پس از حوادث سال ۲۰۰۸ معروف در ارتباط باشم، و به ارتباط با بعضی از مؤمنین مورد اعتماد و سایت‌های دعوت در اینترنت و مقر حوزه و مکتب که هر وقت فرصتی پیدا می‌کردند، باز می‌شد، بسنده گردید. این‌گونه بود که این وضع و حال از اواخر سال ۲۰۰۶ تا اواخر سال ۲۰۱۲ ادامه پیدا کرد، و پس از این که شش سال تمام شد، همان‌گونه که خداوند

پاک و منزله اراده کرده بود، با فضل و منتش به ما فرج و گشایش کرد و به فضل بعضی از مؤمنین با تلاش‌های مبارک‌شان امکان انتقال به مکانی تا حدودی امن برایم مهیاء شد.

به این ترتیب مرحله جدیدی در دعوت آغاز شد، و توانستم صفحه ارتباط اجتماعی در فیس‌بوک را افتتاح کنم تا مجدداً بتوانم بین شما در این دفتر اجتماعی مجازی حضور پیدا کنم و از خلال این صفحه با عموم مؤمنین و مردم گفتگو کنم. این‌گونه بود که از خلال صفحه ارتباط اجتماعی مبارک بین شما برگشتیم. نظرات شما را می‌شنویم و آنچه می‌نویسید را می‌خوانیم و با شما گفتگو و سخن می‌گوییم و سپاس از آن خداوند جهانیان است.

هم‌چنین امروز برای ما صفحه جدیدی باز شد. ان‌شاء الله و این‌که امور به سمت تشکیل گردان‌های قائم برای دفاع از مقدسات و ضریح‌های پاک و ناموس و سرزمین در حال حرکت است و شاید برای ارتباط صوتی و حضور بین شما نیاز باشد. ان‌شاء الله، و سبحان الله روی صفحه‌ام دعوتی از استاد علی عاملی خدا حفظش کند را دیدم که مرا به برنامه مبارک‌تان دعوت نموده بود، و ان‌شاء الله در آینده نیز در صورت نیاز بین شما حاضر خواهیم شد و من الله التوفیق. امیدوارم که سخنانم زیاد طولانی نشده باشد. مایک رها.

سوال دوم: استاد علی عاملی: اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما.

خدا یا عمرم را کوتاه بگردان و به عمر امام‌م احمد الحسن (ع) بیفزایم؛ ارزیابی شما از وضع کنونی موجود در منطقه چیست؟ و نقش قائم آل محمد، امام احمد الحسن (ع) در آن‌چه در منطقه در حال اتفاق است، چیست؟ هم‌چنین مایلیم رسالت و پیام شما را به ملت و حکومت‌ها و به خصوص حکومت عراق بشنویم. بفرمایید مولایم، با ذکر درود بر محمد و آل محمد. مایک رها.

سید احمد الحسن (ع): یا الله، ان‌شاء الله که صدا واضح باشد. اول این‌که عزیزم علی عاملی خدا شما را حفظ بدارد و طول عمر عنایت کند. وضع در منطقه خاورمیانه، بسیار خطرناک است. در آن جنگ مذاهب و احزاب بسیار جدی از آغاز انقلاب‌های عربی و گشایش درب به روی جنبش سلفی وهابی که جز لغت قتل و خون‌ریزی و سر بریدن چیزی نمی‌داند، در جریان است که شما

الان شاهد جنبش‌های سلفی به عنوان مثال در عراق و سوریه و لیبی هستید. آنان مسیحی و یزیدی و شیعی و سنی که منش آن‌ها را که جهت عبادت هبل آسمانی‌شان رد می‌کنند، به طرز وحشیانه‌ای می‌کشند و حتی کودکان از دست آنان جان سالم به در نبردند و زنان را به اسارت برده و به ناموس مردم تجاوز کردند. هر روز شاهد آن‌چه انجام می‌دهند، هستید. بلکه حتی آثار باستانی و میراث انسانی را نیز ویران کردند. بنا بر این در آن‌جا جنگ مذهبی از طرف دین وهابی سلفی تکفیری ضد هر کس که مخالف آنان باشد و هر چیزی که مناسب با اعتقاد باطل‌شان به خصوص شیعیان اهل بیت و زیارت‌گاه‌های آل محمد درود خداوند بر ایشان باد نباشد، در حال جریان است. این حقیقتی است که هیچ کس نمی‌تواند، از آن چشم‌پوشی کند و منکر آن شود؛ امروز بمب‌گذاری‌های جنایی وهابی سلفی در کویت در یکی از مساجد کویت را شنیدید!

ارزیابی من از اندازه‌ی خطری که با وجود سلفی وهابی تکفیری در منطقه خاورمیانه با آن مواجه هستیم، بسیار بزرگ است و باید تمام قدرت و امکانات در دسترس را برای ریشه‌کن ساختن آن‌ها و در اسرع وقت مهیاء سازیم. در غیر این صورت، نتایج تأخیر در ریشه‌کن ساختن و پایان دادن به آنان سخت و گران تمام خواهد شد، و تلفات بسیار زیادی را باید تحمل کنیم. نه فقط تلفات ارواح - بر حسب باور من - فقط تلفات روحی یا مالی و دارائی نیست. بلکه ممکن است امر به مقدسات و ناموس، خدای ناکرده برسد!

پس از گذشت یک سال از تصرف موصل، ما الان می‌بینیم که امکانات آنان از لحاظ تعداد و تجهیزات بیشتر شده است. در نتیجه رمادی را نیز به تصرف در آوردند، اضافه کنیم که در موصل دانشگاهی بزرگ و آزمایش‌گاه‌ها و افراد متخصص و کارخانه و... وجود دارد و نیز در مناطق سوریه که آن‌ها را به تصرف در آوردند، این امکانات موجود است و معتقدم که دسترسی به مواد برای ساخت و تولید بمب هسته‌ای یا بمب کثیف یا سلاح رادیولوژی، چندان سخت نیست؛ به خصوص اگر توانایی مالی وجود داشته باشد همان‌طور که داعش این توانایی را دارد که در نتیجه ممکن است با آن سلاح شهرهای دیگر ما نیز مورد هجوم قرار گیرند. هم‌چنین تسلط این احزاب تکفیری بر شهرهایی در سوریه مثل ادلب، اشاره‌ای واضح به اندازه خطر دارد.

برای این است می‌گوییم که وقت مهم است و شکست آنان در اسرع وقت نیز مهم است؛ زیرا که وجود ما و مقدساتمان در معرض تهدید خطر حقیقی و واقعی است.

نمی‌خواهیم که با این حرف‌ها ایجاد ترس و وحشت کنیم... به هیچ عنوان! اما این حقیقت است، این حقیقتی واقع پیش روی ماست و برآورد من این است که ورود آنان به رُمادی، خطرناک‌ترین رویدادی است که با آن مواجه هستیم و هر روز که با حضور آنان در رُمادی می‌گذرد، احتمال در معرض قرارگرفتن شهرها، مردم و مقدساتمان در خطر بیشتر می‌شود. ارزیابی کلی من از وضع جاری موجود بر سرزمین‌ها، الان این است.

اما در مورد نقش من یا چیزی که می‌توانم انجام دهم: من از سال‌ها پیش به تشکیل نیرو برای مبارزه و جهاد و دور کردن خطرشان قبل از توانا شدن‌شان دعوت نمودم که راجع به این موضوع بیاناتی از من منتشر شد. امروزه ما به تشکیل گردان‌های قائم جهت دفاع از مقدسات و سرزمین و ناموس روی آوردیم و عموم مردم به خصوص شیعیان اهل بیت (ع) را به یاری و پشتیبانی و وابستگی به آن می‌طلبیم. این ارتش امام‌تان است آن را یاری دهید و در حق آن کوتاهی نورزید.

نخستین هدف ما دورکردن این مجرمان به مسافتی دور از مقدسات و مردم و سرزمین و خارج کردن آنان از عراق در حد توان است.

اما در مورد رسالت‌ها؛ حکومت‌ها - گمان نکنم که حکومت‌ها بشنوند یعنی آنان در حقیقت از شنیدن ناتوان و عاجزند، آری از شنیدن عاجزند!- رسالت‌ها به حکومت عراق این است که اردوگاه‌های آموزشی برای ما مهیاء سازند و فرصت مبارزه و جنگ با این مهاجمان و اشغال‌گران که سرزمین ما را به تصرف در آوردند و می‌خواهند مقدسات ما را هتک حرمت کنند، دهند. آنان در واقع مقدسات ما را هنگامی که ضریح‌های دو امام عسکری در سامراء در گذشته را ویران کردند، هتک حرمت نمودند. اگر دولت عراق به این درخواست جواب ندهند، پس من به گردان‌های قائم می‌گوییم: از لحاظ تجهیزات و استعداد و تربیت بدنی و فنی و نفسی جهت دفاع و کارزار آماده باشید. در صورتی که این نیروها که با داعش اکنون رو به رو هستند، شکست

بخورند؛ همان طور که مدتی پیش شکست خوردند و رُمادی را تحویل دادند. پس شهرهای شما، مقدسات و ناموس تان در خطری جدی قرار دارند!

همچنین به مناسبت متداول شدن عفو عمومی در عراق در این روزها، از حکومت عراق درخواست آزاد کردن انصار امام مهدی که در بند هستند و به اعدام محکوم‌اند، می‌کنیم؛ به خصوص افرادی که به اعدام محکوم هستند. انصار امام مهدی، نه تروریست هستند و نه مجرم. پس معقول و منطقی نیست که در حق ده‌ها نفر به خاطر درگیری در سال ۲۰۰۸ به اعدام محکوم شوند.

در حالی که اعدام در کل آئین‌ها و قوانین نیاز به اثباتی که در آن شکی نباشد دارد، باید اثباتی آشکار باشد که ثابت کند جرم موجب حکم به اعدام است، پس قاضی در یک جلسه چگونه در حق ده‌ها نفر حکم اعدام صادر کرد؟! در یک جلسه حکم اعدام صادر کرد که این افراد مرتکب قتل شدند؟ چگونه ممکن است فقط یک قاضی در یک جلسه حکم صادر کند؟ و حتی اگر چندین قاضی در یک جلسه باشند و در یک جلسه در حق چند فرد حکم اعدام صادر کردند، چگونه تشخیص داده شد که این افراد مرتکب قتل شدند؛ با قصد قبلی به این که آن چه روی داد، درگیری مسلحانه اتفاقی بود.

این در حقیقت ما را به یاد دادگاه انقلاب زمان صدام می‌اندازد، و الا شما را به خدا، چه تفاوتی با هم دارند؟!

ضمن این که حوادث سال ۲۰۰۸ به علت حملات مکرر به انصار امام، توسط نفوذگران در آن زمان بود، و برای هر فرد در حکومت عراق کنونی اگر چه واقعاً می‌خواهند، حق به حق‌دار برسد، تحقیق و بازرسی منصفانه انجام دهد تا ببیند در آن زمان توسط نفوذگران چقدر به ما حمله شد و ما را آزار دادند، و به عنوان مثال: حمله به حوزه مهدوی و مکتب رسمی در نجف اشرف در آغاز سال ۲۰۰۲ و بستن آن و دستگیری سید حسن حمامی و جمعی از طلبه‌ی حوزه بدون عذر قانونی، سپس ایشان را پس از مدتی آزاد کردند. ولی بنا (ساختمان) حوزه و مکتب را برنگرداندند. بلکه بدون هیچ توجیه قانونی آن را ضبط نموده و تسلیم نکردند؛ مگر پس از اتمام

مهلت قرارداد اجاره. این تنها حادثه‌ی اول نیست. بلکه با همان روش خودسرانه غیر قانونی بستن مکتب و دستگیری سید حمای و طلبه‌ی حوزه تکرار شد! تا این که حوادث سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد.

به همین جهت من آنان را به آزاد کردن انصار امام مهدی که در بند هستند، دعوت می‌کنم. این افراد مظلوم هستند، ستم دیده هستند. آنان را آزاد کنید! بیش از این سخنی ندارم. مایک رها.

سوال سوم: استاد علی عاملی: اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین.

ضمن خوش آمدگویی به مولایمان یمانی آل محمد و مهمانان شما. سؤالی مربوط به گردان‌های قائم که اخیراً تشکیل دادید دارم که دو بخش دارد:

اول: ملاحظه می‌شود که از ابتدای فراخوانی به تشکیل گردان‌ها حمله صورت گرفت و نیز حمله به شک افکندن در آن و مردان آن و اهداف آن ایجاد می‌کنند. با توجه به این که همه‌ی عراقی‌ها و غیر آنان در جنگ ضد داعش کفار شرکت نموده‌اند. سؤال این است که آیا حمله به گردان‌های قائم بدون قصد و یک سوء تفاهم است یا این که امر جدی‌تر است؟

دوم: ما وجود ده‌ها هزار نفر از عناصر نیروی مردمی در رویایی با داعش را ملاحظه می‌کنیم. اما با این حال نتوانستند، آنان را نابود کنند. سؤال طبیعی و منطقی این است که تفاوت بین آن‌چه گردان‌های قائم با تعداد کمی که دارند، می‌توانند در این راه و سرنوشت این جنبش انجام دهند، چیست؟ بفرمایید مولایم.

سید احمدالحسن (ع): یا الله. ان شاء الله که صدا دارید. صدا واضح است؟... الحمدلله.

در مورد گردان‌های قائم، علت تشکیل آن را در صفحه‌ی فیسبوک بیان کردم. علت تشکیل آن، دفاع از مقدسات و سرزمین و ناموس است. اما حمله‌وری به گردان‌های قائم، لا اقل نسبت به من هیچ تأثیری ندارد، یعنی این که نسبت به من لا اقل تأثیری ندارد که حمله از طرف چه کسی انجام می‌شود! و تا امروز نیز من به شخصه هیچ فردی که ارزش و بهای اجتماعی یا سیاسی یا

نظامی یا حتی دینی داشته باشد ندیدم که به صورت علنی به گردان‌های قائم حمله‌ور شود. بلکه بر عکس، از خلال اخباری که از طریق مکتب و مؤمنین به من می‌رسد، جهت تشکیل گردان‌های قائم از چند جهت و فرماندهی نظامی و از حکومت‌های محلی و استان‌داران در بیش از یک استان در عراق و از برخی فرمان‌دهان نیروی مردمی، خوش‌آمدگویی چندان خوبی به عمل آمده است. من به شخصه از مکتب رسمی خواستم تا با بعضی از شخصیت‌های سیاسی و نظامی در عراق ارتباط پیدا کنند و هدف از تشکیل گردان‌های قائم را برای آنان توضیح دهند و اگر شرایط شخصی به من اجازه می‌داد، با آنان ارتباط پیدا می‌کردم. ما نسبت به این ارتباط اقدام کردیم تا به بعضی بیماران کم‌ترین فرصت آشوب ندهیم. خطر همه‌ی ما را تهدید می‌کند. سنی، شیعی و مسیحی. خطری وجود دارد که هر ولایت‌مدار از پیروان اهل بیت صرف نظر از گرایش و اعتقادی که دارد را تهدید می‌کند. این خطر مراقد ائمه‌ی ما و ناموس‌مان را تهدید می‌کند. و نیز سرزمین عراق عزیز و مبارک و پاک که با مراقد ائمه و پیامبران علیهم السلام پاک گشته را تهدید می‌کند. این خطر تا مرز بغداد موسی بن جعفر و کربلای حسین و نجف علی بن ابی طالب علیهم السلام رسید، و به همین خاطر مجبور به حرکت و تشکیل گردان‌های قائم شدیم، و هر کس بخواهد غضب‌ناک و ناراحت شود!

در هر حال من بر این باورم که هر کس خشم‌ناک شد و به گردان‌های قائم حمله کرد، آنان افرادی تک‌رو، کج‌رو و فرصت‌طلبانی اندک هستند که حملات آنان ارزشی ندارد و به آن توجه نمی‌شود. هر عاقل به وضوح می‌فهمد که این افراد دانسته یا ندانسته یا از روی سفاهت و جهل و ضعف ادراک و آگاهی از آن چه اتفاق می‌افتد، اهداف داعش را خدمت می‌کنند!

ای عزیزان در گردان‌های قائم به شما روی می‌آورم و می‌گویم: ای عزیزان در گردان‌های قائم، چه کسی از حملات در امان بود تا شما بخواهید از آن در امان باشید؟ حتی خداوند سبحان و متعال در امان نماند! منکرین وجود خدا را می‌بینید که به او حمله کرده و مسخره می‌کنند! آیا می‌خواهید ما و شما از حملات بعضی سفیهان که به داعش خدمت می‌کنند، در امان باشیم؟ گمان می‌کنم این بهائی است که در هر گامی که بر می‌داریم، باید همیشه آن را پرداخت کنیم تا به نزد خداوند سبحان و متعال ارتقاء یابیم.

دوست دارم که هر فرد که مخالف ماست بدانند و مطمئن شود که راه ما راه خلفای خداست، راه محمد صلی الله علیه و آله و راه علی ست. محمد مدینه منوره را با قدرت نظامی به تصرف در نیاورد. بلکه مردم را به حاکمیت خدا دعوت کرد و هنگامی که اهل مدینه ایشان را پذیرفتند، به آن جا نقل مکان کرد. هم این طور امام علی علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان را تنصیب کرد. هنگامی که دید به همراه انصار اندک خود تنهاست، در خانه عزلت گزید تا مردم به ایشان برگشتند و تنصیب ایشان را پذیرفتند. در نتیجه متصدی آن امر شد.

ما نیز همین طور. هیچ کس تصور نکند که ما می خواهیم قدرت نظامی برای مجبور کردن مردم جهت قبول احمد الحسن با زور تشکیل دهیم! به هیچ وجه این راه و منش ما نیست. راه ما از آغاز دعوت آشکار بود و بارها گفتیم که خلیفه‌ی بر روی زمین را خدا تعیین می کند و خلیفه دلایل خویش را برای اثبات آن ارائه می دهد، و بر مردم واجب است که تنصیب او را بپذیرند. در نتیجه اگر تنصیب الهی را رد کردند، هیچ بهره‌ای نمی برند و آخرت خود را از دست می دهند. اما در مورد خلیفه خدا هیچ ضرر و زیانی به وی نمی رسد؛ مانند علی که بیست و پنج سال خانه نشین شد، او نیز خانه نشین می شود! این پاسخ من در این باره بود... اما سؤالت در مورد تأثیر ما و نیز آن چه نیروهای مردمی انجام دادند...

بر این باورم که نیروی مردمی و سپاه عراق برای دفاع و حفظ مقدسات و سرزمین و ناموس فداکاری کردند و خون‌ها ریختند و این کار جای سپاس و قدردانی از آنان دارد. صرف نظر از شک انداختن بعضی محافل به نیت‌ها و یا در واقع حتی شک انداختن به هم‌دیگر - در این مورد حرف‌هایی را می شنویم - هم چنین صرف نظر از این که آنان پیروزی را محقق کردند یا خیر!

و نیز خواهش مندم همیشه به یاد داشته باشید که امروزه در سپاه عراق بسیاری از برادران مؤمن و پاک‌تان هستند که بعضی از آنان در جنگ دفاع از سرزمین عراق مقدس شهید شدند. خدا با رحمت گسترده خود، آنان را رحمت کند.

اما در مورد این که گردان‌های قائم چه چیزی می‌توانند ارائه دهند، معتقدم که چیزهای بسیاری می‌توانند تقدیم کند:

اول این که هزاران نفر داوطلب در عراق داریم. در واقع فقط داخل عراق، و هم‌چنین خارج از عراق، که از میان آنان افسران و فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری هستند، و اعتقاد دارم چند هزار نفر می‌توانند در میدان کارزار حتی با معیارهای کاملاً مادی، اثر قابل توجهی ایجاد کنند.

دوماً ما معیار دیگری داریم، و آن معیار الهی است، و ما معتقدیم که خدا با ماست و ما را بر دشمنان مان پیروز می‌گرداند.

به همین دلیل، وجود گردان‌های قائم در ایستادگی ضد داعش و تاریکی وهابی سلفی تکفیری امروز در میدان کارزار یک تفاوت بزرگ و قابل توجهی در آن میدان به طور عمومی ان شاء الله ایجاد می‌کند. و رحمت خدا گسترده است ان شاء الله.

بیش از این سخنی ندارم. مایک رها.

سوال چهارم: استاد علی عاملی: اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين.

خوش آمدید مولای مای ما یمانی آل محمد (ع). مولایم سخنان شما شفای روح است. خدا شما را بر دشمنان پیروز گرداند. مولایم آرزو داریم که برنامه به پایان نرسد؛ چرا که با وجود شما بین ما بسیار خوشحال شدیم اما در آخر باید به پایان برسد و ان شاء الله آخرین دیدار ما نباشد.

مولایم، سؤال آخر این است که به طور عموم و نیز به ویژه کسانی که داوطلب شدند و به گردان‌های قائم ملحق شدند چیست؟

بفرمایید آقایم، گویانه را برای شما رها می‌کنم.

سید احمد الحسن (ع): یا الله. اولاً نصیحتیم را به عموم انصار می‌گوییم. در کل همه‌ی مؤمنین زن و مرد خدا حفظ‌شان کند، شب و روز در عمل با دعوت مردم به حق و رد شبهات کوتاهی

نکردند. خدا به آنان جزای خیر عطاء کند. آنان خدا خیرشان دهد. با تلاش و اجتهاد عمل می کنند و از خداوند می خواهیم تا خیر آخرت و دنیا برای آن چه را که ارائه می دهند و سختی و دشواری تحمل می کنند، روزی آنان قرار دهد. و مؤمنان از زنان و مردان را که کوتاهی می کنند، نصیحت می کنم تا به برادران و خواهران شان ملحق شوند و کوتاهی نوززند. یعنی جهاد با مال و جان و فراگیری علوم و رساندن دعوت حق به مردم. این فرصتی برای یقین کنندگان است؛ و فرصت مانند ابرها گذرا هستند، آن را غنیمت بشمارید.

اما در مورد عزیزان در گردان های قائم به خصوص، ان شاء الله تشکیل شما آغازگر خیر و راهی برای شمانست ای مؤمنان تا به تمام خیر دست یابید، و آن جهاد زیر پرچم خلیفه خدا در زمین است. به خدا سوگند جز شکیبایان و ثابت قدمان بر آن که بهره ای عظیم برده اند آن را نیابند، از خداوند خواستارم که شایسته ی آن باشید.

ای عزیزان در گردان های قائم. امروزه قضیه ی شما و جنگ با این وهابی های تکفیری منحرف، اخلاص گران و مفسدین فی الأرض با تمام معیارهای انسانی و اخلاقی و نه فقط دینی قضیه ای حق دار است! برای این است که جنگ شما با آنان و کشتن آنها نیز واجبی اخلاقی است تا زمین و انسانیت از شر آنان خلاص شود. از خداوند می خواهیم تا از فرازوی و از پشت سرتان و از بالا و پایین و اطرافتان شما را با حفظ خود محفوظ بدارد، و از خداوند می خواهیم شما را پیروز گرداند و به واسطه شما یاری گردد، و از خداوند مسئلت دارم تا شما را به نصرتی ارجمند یاری دهد و به آسانی درهای پیروزی را به روی تان بگشاید، او بی تردید سرور من است و همو دوست دار شایستگان. یا الله. پاسخیم به پایان رسید. الان بیش از این سخن دیگری ندارم که بگویم. ان شاء الله در اتاق فقط چند دقیقه جهت شنیدن صحبت های شما باقی می مانم و سپس مجبور به خروج از اتاق خواهیم شد و پیشاپیش از شما عذرخواهی می کنم که بدون شنیدن مشارکت ها، مجبور به خروج از اتاق هستیم و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته. مایک رها عزیزانم.